

## پان ترکیسم و اتحاد راهبردی باکو - آنکارا

مهرداد صالحی یگانه<sup>۱</sup>

### چکیده

بعد از فروپاشی شوروی، ترکیه اولین کشوری بود که استقلال جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و تلاش کرد از خلأ ژئوپلیتیکی به وجود آمده، جهت افزایش نفوذ خود در جمهوری آذربایجان که اشتراکات فرهنگی و زبانی زیادی با این کشور دارد، استفاده کند. بحران قره‌باغ از مهم‌ترین مسائل پیشروی سیاست خارجی ترکیه پس از فروپاشی شوروی بود. از این‌رو، در دهه ۱۹۹۰، عمده‌ترین روابط دو کشور در ارتباط با حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان در مقابل ارمنستان بود. از آغاز قرن حاضر، آنکارا و باکو با همکاری در زمینه پروژه‌های زیربنایی بزرگ در حوزه انرژی روابط خود را گسترش دادند. عمیق این روابط در جنگ دوم قره‌باغ بیشتر شد و با اعلامیه شوشی به اوج خود رسید. این اعلامیه، نقشه راه آینده روابط دو کشور را ترسیم می‌کند و بر شعار یک ملت دو دولت باکو و آنکارا صحنه می‌گذارد. از این‌رو، این مقاله با روشی توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه سازه‌نگاری به عنوان یکی از رویکردهای روابط بین‌الملل که توجه ویژه‌ای به مؤلفه «هویت» و نقش آن در شکل دادن به منافع و سیاست‌ها دارد، تلاش شده است به این پرسش که پان‌ترکیسم چه نقشی در تکوین و تعمیق اتحاد راهبردی باکو - آنکارا داشته است و این اتحاد چگونه و در چه ابعادی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد؟ پاسخ داده شود. فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود این است که پان‌ترکیسم نقش تسهیل‌کننده در اتحاد راهبردی باکو و آنکارا داشته است و اتحاد این دو در ابعاد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت استفاده از منابع مکتوب اعم از کتب، مقالات، اسناد و داده‌های اینترنتی است.

### واژگان کلیدی:

امنیت ملی، آنکارا، باکو، پان‌ترکیسم، جمهوری اسلامی ایران.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

<sup>۱</sup> فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

## مقدمه

فروپاشی شوروی یکی از ژرف‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی بود که در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی اتفاق افتاد. این تحول مهم ژئوپلیتیکی نه تنها موجبات سقوط نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد را فراهم ساخت، بلکه منجر به شکل‌گیری تعداد زیادی دولت‌های نوبنیاد شد. استقلال جمهوری آذربایجان نتیجه این تحول مهم بود. فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد ترکیه را با مجموعه‌ای از تهدید و فرصت روبه‌رو کرد. از یک‌سو، این کشور دیگر نقش استراتژیک دوران جنگ سرد را برای غرب نداشت، اما از سوی دیگر، آنکارا این فرصت را پیدا کرد تا نفوذش در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی را گسترش دهد (Cornell, 2001: 279). زیرا بعد از فروپاشی شوروی در منطقه قفقاز جنوبی یک خلأ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی شکل گرفت که ترکیه به دنبال پر کردن آن بود. بر همین مبنا، ترکیه اولین کشوری بود که استقلال جمهوری آذربایجان را در ۹ نوامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک بین دو کشور در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۲ برقرار شد. ترکیه و آذربایجان دارای پیوندهای قومی، فرهنگی و زبانی هستند و از روابط آنها به‌عنوان «یک ملت، دو دولت» یاد می‌کنند. شعار یک ملت - دو دولت از اولین سال استقلال آذربایجان در سال ۱۹۹۱، زمانی که رهبر حزب جبهه مردمی آذربایجان، ابوالفضل ایلچی بیگ، خود را «سرباز آتاتورک» خواند و ایده اتحاد ترکیه و آذربایجان مطرح کرد، مورد حمایت قرار گرفت. این شعار پس از پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت. جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان را گسترش داد. در این جنگ ترکیه آشکارا از جمهوری آذربایجان حمایت کرد و بعد از آن نیز همکاری‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی بین دو کشور گسترش یافته است. بر همین اساس، شرکت‌های ترکیه در بازسازی زیرساخت‌های تخریب شده جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ، مشارکت فعال دارند. روابط دو کشور با اعلامیه شوشی در ژوئن ۲۰۲۱ که روابط دو کشور راه به اتحاد راهبردی ارتقا داد، به اوج خود رسید. اتحاد ترکیه با جمهوری آذربایجان که به لحاظ فرهنگی و زبانی اشتراکات زیادی با آذری‌زبانان ایران دارد می‌تواند برای امنیت ملی ایران پیامدهای امنیتی قابل توجهی داشته باشد. علاوه بر این، ایران با جمهوری آذربایجان مرز آبی و خشکی دارد و نمی‌تواند نسبت به مسائل سیاسی - امنیتی و حضور بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای از جمله ترکیه در مرزهای خود، بی‌تفاوت باشد. برای اتخاذ سیاست خارجی درست و منطقی در قبال تهدیدات اتحاد باکو - آنکارا علیه جمهوری اسلامی ایران، شناخت و درک آن

تهدیدات ضروری است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود نقش پان ترکیسم در تکوین و تعمیق اتحاد راهبردی باکو - آنکارا و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مورد بررسی قرار گیرد.

**پیشینه پژوهش.** میناسیان نیلی<sup>۱</sup> (2021) در مقاله «تجلیات ترک محور در همکاری‌های نظامی - سیاسی ترکیه و آذربایجان» به پویایی، اهداف و مقاصد اصلی برقراری روابط نظامی - سیاسی بین ترکیه و آذربایجان اشاره می‌کند. این مقاله با اشاره به بیانیه شوشی، توسعه همکاری‌های نظامی - سیاسی ترکیه و آذربایجان را به‌عنوان بخشی از برنامه‌های همگرایی جهان ترک با محوریت پان ترکیسم معرفی می‌کند.

ولادیمیر آواتکوف<sup>۲</sup> (2022) در مقاله‌ای با عنوان «ترکیه و آذربایجان: یک ملت - یک دولت؟» همکاری‌های ترکیه - آذربایجان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فنی، فرهنگی و بشردوستانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده وحدت آذربایجان و ترکیه در زمینه سیاسی بر اساس قالب‌های دوستی - دشمنی ارزیابی می‌کند و اشاره می‌کند آنکارا و باکو هر دو در حال ایجاد روابط دوستانه با کشورهای ترک آسیای مرکزی هستند. درعین حال، ارمنستان را به‌عنوان یک دشمن مشترک در نظر دارند. در حوزه نظامی، هر دو کشور به دنبال تشکیل ساختارهای نظامی ترک محور و ایجاد ارتش یکپارچه ترک هستند. درحالی‌که ماهیت روابط اقتصادی آنها رقابتی است. در حوزه فرهنگی و بشردوستانه نیز ادغام آذربایجان در ترکیه در حال گسترش است. نویسنده به این نتیجه می‌رسد که امروزه روابط دوجانبه ترکیه و آذربایجان با «ادغام» دو کشور در یک فضای واحد با محوریت ترکیه پیش می‌رود. جمهوری ترکیه به دنبال نفوذ بر باکو است تا آن را به نقطه مرجع «جهان ترک» تحت پوشش خود تبدیل کند.

مقاله «آیا ترکیه پروژه آسیای مرکزی دارد؟» به قلم سوچو علی امره<sup>۳</sup> و همکاران (2022) نیز به رویکرد فرهنگی ترکیه نسبت به آسیای مرکزی می‌پردازد. استدلال نویسندگان این است که ترکیه سیاست منطقه‌ای خود را در مفهوم جهان ترک از جمله در ارتباط با آذربایجان تعیین می‌کند. در همین راستا، ترکیه توجه ویژه‌ای به نهادینه‌سازی دارد که نمونه موفق آن تأسیس شورای ترکان است. با این وجود، ترکیه تنها یک بازیگر ثانویه غیر

---

1. Minasyan Nelli

2. Vladimir Avatkov

3. Sucu Ali Emre

منطقه‌ای در آسیای مرکزی است که با استفاده از عناصر تاریخی و فرهنگی درصدد نفوذ در منطقه است.

احمدخان (2021) در مقاله مروری بر درگیری آذربایجان و ارمنستان با اشاره ویژه به قره‌باغ کوهستانی، نقش ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ را بسیار مهم می‌داند. احمدخان استدلال می‌کند ترکیه در گذشته تنها حمایت معنوی از آذربایجان داشت، اما در جنگ دوم قره‌باغ با حمایت نظامی از باکو دامنه دخالت خود را گسترش داد. او حمایت گسترده ترکیه از جمهوری آذربایجان را باهدف احیای امپراتوری عثمانی یا تبدیل شدن به رهبر آینده جهان اسلام ارزیابی می‌کند.

النور حسن میکائیل<sup>۱</sup> و همکاران (2019) در مقاله خود با عنوان «روابط اقتصادی و سیاسی ترکیه و آذربایجان» به بررسی روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آذربایجان و ترکیه می‌پردازند. این مقاله توسعه روابط اقتصادی دو کشور را بین ۱۹۹۰-۲۰۰۵ پوشش می‌دهد. زینب وطن‌خواه و بهرام نوازی (2020) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد ترکیه به بحران ناگورنو قره‌باغ» به این مطلب اشاره می‌کنند که ترکیه در منازعه قره‌باغ به باکو کمک کرد تا پیروز شود و البته این پیروزی در درازمدت نیز به سود خود ترکیه خواهد بود. ترکیه از طریق سیاست‌های پان‌ترکیسم، جلوگیری از نفوذ ایران و روسیه در منطقه، و مشارکت در تولید نفت آذربایجان و انتقال آن از طریق خاک خود کمک کرد تا جنگ قره‌باغ به سود آذربایجان پایان پذیرد.

لیلیت مایلیان<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «درک پویایی اساسی روابط ترکیه و آذربایجان: یک ملت، دو دولت؟» پویایی در حال تغییر روابط دوجانبه جمهوری آذربایجان و ترکیه را ترسیم می‌کند و زیربنای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روابط دوجانبه را آشکار می‌کند. این مقاله جایگاه ترکیه و جمهوری آذربایجان را در محاسبات سیاست خارجی یکدیگر مورد بحث قرار می‌دهد و ادعا می‌کند که فاز کنونی روابط باکو - آنکارا بر اساس منافع عمل‌گرایانه پیش می‌رود. نویسنده معتقد است با وجود شعار «یک ملت، دو دولت» منافع ملی ترکیه و آذربایجان همیشه همسو نیست و آنها از منافع ملی عمل‌گرایانه پیروی می‌کنند.

**چارچوب نظری.** سازه‌نگاری به‌عنوان یک رویکرد نظری در عرصه روابط بین‌الملل ابتدا در سال ۱۹۸۹ توسط نیکلاس اونف در کتاب «جهان ساخته ما» مطرح شد سپس الکساندر ونت آن را کاربردی‌تر کرد. اونف بر نقش قواعد در شکل‌گیری جهان توجه نمود و اذعان

<sup>1</sup>. Elnur Hasan Mikail

<sup>2</sup>. Lilit Mayilyan

داشت دسترسی بی‌واسطه و مستقل به جهان ممکن نیست. زیرا همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد و همین معناسازی است که واقعیت‌های جهان را می‌سازد (Onuf, 1989: 157). سازه‌انگاری پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی معرفت و مباحث فرانظری در کل علوم اجتماعی مطرح بوده است. ریشه‌های آن در جامعه‌شناسی حداقل به مکتب شیکاگو و پدیدارشناسی برمی‌گردد. در این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌شود. جهان چیزی تلقی می‌شود که ساخته و ابداع شده و نه چیزی که بتوان آن را طبیعی مسلم و یا موجودی از قبل داده‌شده فرض کرد (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۸). سازه‌انگاری با رد احکام خردگرایانه نئورئالیسم و نئولیبرالیسم، دیدگاهی جامعه‌شناختی را در مورد سیاست جهانی پیش می‌برد. سازه‌انگاران این مفروض خردگرایان که معتقدند بازیگران ترجیحات تعیین‌شده برون‌زای خود را بر اساس منطق منفعت‌طلبی دنبال می‌کنند، رد می‌کنند و بر این باورند هنجارها، هویت و ترجیحات بازیگران را شکل می‌دهند، اهداف جمعی را تعریف می‌کنند و رفتار را تجویز یا منع می‌کنند (Boekle, 1999).

سازه‌انگاری همانند دیگر نظریات یکپارچه نیست و شکاف‌های درونی دارد. اما همه سازه‌انگاران کوشیده‌اند سه گزاره اصلی هستی‌شناختی در مورد حیات اجتماعی را مورد بررسی قرار دهند. اول اینکه، معتقدند ساختارهای هنجاری یا فکری به‌اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند و همین ساختارها به رفتار کنشگران اجتماعی و سیاسی اعم از افراد یا دولت‌ها شکل می‌دهند. نو واقع‌گرایان بر ساختار مادی موازنه قدرت نظامی و مارکسیست‌ها بر ساختارهای مادی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری تأکید دارند. اما استدلال سازه‌انگاران این است که نظام‌های مرکب از افکار، باورها و ارزش‌های مشترک نیز خصوصیات ساختاری دارند و کنش اجتماعی و سیاسی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوم، سازه‌انگاران بر خلاف خردگرایان که معتقدند منافع به شکل برون‌زا تعیین می‌شود، استدلال می‌کنند هویت‌ها بنیان منافع هستند. سوم، سازه‌انگاران بر این باورند که کارگزاران و ساختارها به شکل متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند. آنها ادعا می‌کنند این گزاره‌ها به نسبت مفروضه‌های خردگرایانه در روشن ساختن سیاست جهانی مؤثرترند (برچیل و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۸۴-۲۸۶).

سازه‌انگاری به‌عنوان یک رهیافت جدید در روابط بین‌الملل تعریفی متفاوت از هویت و سیاست خارجی ارائه می‌دهد. یکی از بحث‌های مهم در نظریه سازه‌انگاری، چگونگی شکل‌گیری هنجارها، هویت‌ها و منافع دولت‌ها و تأثیرگذاری آن بر سیاست خارجی است. سازه‌انگاران معتقدند که همه کنش و واکنش‌های فرد در محیط اجتماعی صورت می‌گیرد

(عظیم‌زاده اردبیلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰). از این دیدگاه، هویت کنشگران از تعامل میان آنها شکل می‌گیرد؛ بنابراین، هویت به معنای فهم‌های نسبتاً ثابت و مبتنی بر نقش خاص از خود و انتظارات از دیگران است و هر کنشگری هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی به دست می‌آورد؛ بنابراین، کنشگران هویت‌های از پیش تعیین‌شده ندارند و هویت‌ها در روابط اجتماعی است که شکل می‌گیرد (سلیمی، عیوض زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۵). در دیدگاه سازه‌انگاری سیاست خارجی چیزی است که دولت‌ها متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه خود آن را می‌سازند و اجرا می‌کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت، هنجارهای اجتماعی که انتظارات بینادهنی مشترک تعریف می‌شوند به‌عنوان متغیرهای مستقل برای تبیین رفتار سیاست خارجی عمل می‌کنند (Price & Reus-Smit, 1998: 266). سازه‌انگاران در تعریف هویت آن را تعریف خود و یا کیستی خود در مقابل دیگری دانسته‌اند. از نظر آن‌ها هویت به دولت‌ها اجازه می‌دهد که جهان خود را معنادار کنند و دیگر دولت‌ها را دوست یا دشمن خود تعریف کنند. دولت‌ها با این تصورات درصدد تغییر و یا حفظ وضع موجود برمی‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند و یا علیه دیگران اقدام می‌کنند (درویشی، فردی تازه کند، ۱۳۸۷: ۱۱۱). بنابراین، روابط دولت‌ها با یکدیگر بر اساس معنایی که برای هم قائل‌اند شکل می‌گیرد نه بر اساس توزیع قدرت (هادیان، ۱۳۸۳: ۹۲۱). از این‌رو، با توجه به پیوندهای فرهنگی - زبانی ترکیه و جمهوری آذربایجان، سازه‌انگاری چارچوبی نیرومند برای تبیین نقش پان‌ترکیسم به‌عنوان یک مؤلفه هویتی در اتحاد ترکیه و جمهوری آذربایجان است.

### ۱. پان‌ترکیسم

پان‌ترکیسم قبل از اینکه به‌عنوان یک ابزار سیاسی مورد استفاده حکومت عثمانی / ترکیه قرار گیرد به‌صورت پدیده برای دفاع از هویت ترک‌ها در مناطق ترک‌نشین روسیه تزاری، در مقابل روسیه شکل گرفت. نطفه پان‌ترکیسم در تاتارستان و پس از آن آسیای مرکزی به‌وسیله روشنفکران تاتار که درصدد دست یافتن به جایگاهی مناسب در روسیه با تأکید بر هویت ترک بودند، شکل گرفت (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۵۹۴). یکی از آثاری که تأثیر بسزایی در پیدایش پان‌ترکیسم داشت کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ آسیا (۱۸۹۶) لئو کاهون<sup>۱</sup> بود که در فرانسه منتشر شد. این کتاب بر تاریخ پیش از اسلام ترک‌ها تأکید داشت و بازتاب وسیعی در میان روشنفکران ترک پیدا کرد (بیات، ۱۳۸۷: ۸۰). یکی از نشانه‌های ریشه گرفتن

<sup>۱</sup>. Leo Cahoon

پان ترکیسم در سرزمین عثمانی ظهور چهره‌هایی چون ضیاء گو کاپ<sup>۱</sup> (۲۳ مارس ۱۸۷۶-۲۵ اکتبر ۱۹۲۴) بود. گو کاپ در نشریه ترک یوردو فعالیت‌های ادبی و سیاسی خود را آغاز کرد و به تدریج یکی از ارکان عمده ترک‌گرایی کمیته اتحاد و ترقی شد. ایده اصلی گو کاپ این بود که ترک‌ها باید از طریق کشف تاریخ و سنن خود محدودیت‌های ناشی از تأثیر فرهنگ‌های بیگانه را از میان بردارند و سپس تمام اقوام ترک از دریای سیاه تا کوه‌های تین شان<sup>۲</sup> چین را به‌عنوان سرزمین واحد و یکپارچه تحت عنوان توران بزرگ، متحد کنند. گو کاپ برای تحقق این هدف به سه مرحله اعتقاد داشت: اول تحکیم اقتدار ترک‌های عثمانی. دوم، مرحله پان ترکی، جذب و ادغام نزدیک‌ترین خویشان ترک‌های عثمانی یعنی آذربایجانی‌های ایران و مسلمانان قفقاز در چارچوب دولت ترک و سوم، وحدت تمام ملل و اقوام تورانی آسیا حول محور ترک (بیات، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹).

ایده متحد کردن ترک‌زبان‌ها به دهه‌های پایانی امپراتوری عثمانی برمی‌گردد؛ اما امپراتوری عثمانی در نتیجه جنگ جهانی اول فروپاشید و در سال ۱۹۲۳ ترکیه از خاکستر آن تولد یافت و به مدت ۶۸ سال تسلط شوروی بر مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی توانایی عرض اندام در مقابل آن را نداشت تا اینکه این ایده در قالب «نئو پان ترکیسم»<sup>۳</sup> تحت حمایت تورگوت اوزال<sup>۴</sup> نخست‌وزیر (۱۹۸۳-۱۹۸۰) و رئیس‌جمهور ترکیه (۱۹۸۹-۱۹۹۳) مطرح شد و آگاهی‌های عمومی در ترکیه را نسبت به وابستگی تاریخی، فرهنگی و زبانی این کشور با جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی، در آستانه فروپاشی شوروی را افزایش داد. برجستگی‌ها و پیوندهای قومی زبانی بین ترکیه و جمهوری آذربایجان آن قدر مورد توجه قرار گرفته است تا جایی که آنها را «یک ملت دو دولت می‌نامند» (کوشکی و بصیرنیا، ۱۳۹۸: ۱۶۲-۱۶۳). فروپاشی شوروی برای روشنفکران و نخبگان پان‌ترکیست فضای گسترده‌ای از امید و آرمان ایجاد کرد. استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و آینده آنها بار دیگر جریان‌های پان ترکی را از حاشیه به متن سیاست‌های ترکیه کشاند (احمدی، ۱۳۸۸: ۳). تورگوت اوزال، با ذکر جمله «قرن بیست و یک، قرن ترک هاست» توجه سیاستمداران ترکیه را به این اتحاد جلب کرد. وی در اظهاراتی دیگر بیان داشت: «ملت‌های ما (ملت‌های ترک) منتظر شکل ویژه‌ای از همکاری بین دولت‌هایمان هستند، زیرا ما منشأ یکسانی داریم... ما شاخه‌های یک درخت بزرگ هستیم و ما باید یک خانواده را تشکیل دهیم»

1. Ziya Gökalp

2. Tien-Shan

3. Neo pan-Turkism

4. Turgut Özal



(Souleimanov, 2011:14-15). می‌توان گفت از زمان اوزال یکپارچه‌سازی جهان ترک، همواره در دستور کار دولت‌های مختلف ترکیه، اعم از راست، چپ، ملی‌گرا و اسلام‌گرا بوده است (واحدی، ۱۴۰۰). سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور بعدی ترکیه، نیز همین مواضع را تکرار کرد. او در ۲۷ آوریل ۱۹۹۹، در مجمع سیاست ویژه مؤسسه واشنگتن سخنرانی کرد و بیان داشت در نتیجه فروپاشی کمونیسم، ما برای اولین بار در هفتادسال گذشته خود را در کانون یک واقعیت سیاسی و اقتصادی نوظهور می‌یابیم که «اوراسیا» نامیده می‌شود. وی در خصوص شکل‌گیری جهان ترک مدعی شد: «با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جهان غول‌پیکر ترک در حال شکل‌گیری است که از دریای آدریاتیک تا دیوار چین امتداد دارد» (Demirel, 1999). تورگوت اوزال و سلیمان دمیرل دو نفر از سیاستمداران ترک بودند که بعد از فروپاشی شوروی نقش اصلی را در احیای ایده پان‌ترکیسم و اجرای سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز داشتند که از آن با نام «جهان ترک» یاد می‌کردند. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، ترکیه زبان سکولار خود را در ظاهر به‌آرامی کنار گذاشت و مدل پیشرفت محوری از اسلام‌گرایی عرضه کرد. باین‌وجود، ترکیه هیچ‌گاه ایده پان‌ترکیسم خود را کنار نگذاشته است. به‌عبارت‌دیگر، رهبران آنکارا زبان اسلام‌گرایی نوین خود را تنها برای جوامع آسیای غربی عرضه کردند و در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی بر حفظ ایده یگانگی ترک‌زبانان تأکید دارند (رئیس‌ی نژاد، ۱۴۰۱، ۱۲۰). هرچند ایده پان‌ترکیسم در ظاهر بر یگانگی ترک‌زبانان تأکید دارد، اما در واقعیت بر ایده برتری‌طلبی آنکارا صحنه می‌گذارد.

حزب عدالت و توسعه ترکیه برای پیشبرد سیاست‌های پان‌ترکیستی به استراتژی «سیب سرخ» باور دارد. اصطلاح «سیب سرخ» در اساطیر ترکی نماد تسلط است و به سمبل جنبش پان‌ترکیستی برای متحد کردن ترک‌ها برای دستیابی به جهان ترک تبدیل شده است. این مفهوم هسته اصلی رویکرد توسعه‌طلبانه ترکیه است. سیب سرخ برای پان‌ترک‌ها نماد یک ترکیه بزرگ و قدرتمند است که مانند درختی بزرگ از جبل الطارق تا حجاز و از بالکان تا آسیا سایه می‌افکند. ریشه این مفهوم به نبرد سلجوقیان با امپراتوری بیزانس در سال ۱۰۷۱ میلادی برمی‌گردد که ترکان سلجوقی موفق به شکست امپراتوری بیزانس شدند. ترک‌ها از این پیروزی به‌عنوان آغاز ترکی شدن تدریجی آناتولی یاد می‌کنند (Shirkhani, 2020). در دوره عثمانی، سیب سرخ به «نماد جهادی» علیه کشورهای غربی تبدیل شد (Realnoe Vremya, 2020). و اکنون نمادی از جاه‌طلبی‌های حال و آینده ترکیه مدرن است. برای



ناسیونالیست‌های ترک، مرزهای فرهنگی این کشور بسیار فراتر از مرزهای سیاسی آن است. اردوغان این باور را به‌صراحت در یک سخنرانی در نوامبر ۲۰۱۶ بیان کرد. او مدعی شد «بین مرزهای فرهنگی و فیزیکی ترکیه تفاوت وجود دارد و این کشور نمی‌تواند به ۷۸۰۰۰۰ کیلومترمربع محدود شود» (Williams, 2021). ناسیونالیست‌های پان ترک مدت‌هاست که رویای مفاهیم دور از ذهنی مانند ارتش توران را در سر می‌پرورانند. در همین راستا، ضیا گوکاپ جامعه‌شناس معروف ترک که اغلب اردوغان در سخنرانی‌هایش از او نقل می‌کند، در اوایل قرن بیستم شعری با عنوان «سیب سرخ» سروده که مضمون آن به این صورت بود «آخرین آرزوی ما در این دنیای فانی رسیدن به سیب سرخ (اتحاد جوامع ترک) است» (همان). پس از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، اردوغان، نگاه خود را به یک مشترک‌المنافع پان ترکی که شامل جمهوری آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان است، معطوف کرد. جاه‌طلبی‌های آنکارا برای شکل دادن به جهان ترک می‌تواند از طریق سازمان کشورهای ترک تحقق یابد.

از مهم‌ترین اقدامات ترکیه جهت ترویج پان ترکیسم می‌توان به سازمان کشورهای ترک، آکادمی بین‌المللی ترک، شورای تجارت ترک، اتاق بازرگانی و صنعت ترک، اتحادیه دانشگاه‌های ترک و بنیاد بین‌المللی میراث فرهنگی ترک اشاره کرد. هدف ترکیه از این قبیل اقدامات تقویت همکاری بین ترکیه و جمهوری‌های ترک در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی - آموزشی است. در همین راستا، ترکیه مدارس و دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی در جمهوری‌های ترک‌زبان ایجاد کرده که اساس سیاست آموزشی این کشور است. یکی از اهداف مهم ترکیه، اتخاذ الفبای واحد و ایجاد نظام آموزشی مشترک بین کشورهای ترک‌زبان است. ترکیه از ابتدای دهه ۱۹۹۰ بر روی ایجاد الفبای یکپارچه کار کرده است؛ اما تاکنون به هدف نهایی خود، نرسیده است. ولی همچنان این موضوع در دستور کار آنکارا قرار دارد. در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۲، در جریان نشست نمایندگان کشورهای عضو سازمان کشورهای ترک در بورس، تصمیمی برای ایجاد «کمیسیون ایجاد الفبای واحد» در ساختار سازمان کشورهای ترک اتخاذ شد. هدف این کمیسیون دستیابی به وحدت زبانی در میان کشورهای ترک و پذیرش الفبای مشترک است. با در نظر گرفتن این فرایندها می‌توان به این نکته اشاره کرد که گام بعدی ایجاد مفهوم «تاریخ مشترک ترکان» خواهد بود (Nelli, 2022: 24-28).

## ۲. نقش پان ترکیسم در اتحاد باکو - آنکارا

بعد از فروپاشی روسیه تزاری در نتیجه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و خلأ قدرت در قفقاز جنوبی، نفوذ عثمانی در این منطقه روبه افزایش گذاشت و به تدریج اندیشه‌های پان ترکی به اندیشه مسلط در باکو تبدیل شد که سبب شکل‌گیری جمهوری آذربایجان در ۲۸ مه ۱۹۱۸ گردید. اما با تسلط شوروی بر کل منطقه قفقاز، ترکیه در این منطقه نقش کاملاً منفعلی پیدا کرد و مواضع خود را با بلوک غرب هماهنگ کرده بود. پس از فروپاشی شوروی ترکیه مواضع خود را تغییر داد و به‌عنوان یک بازیگر فعال نقش مهمی برای خود قائل شد. ترکیه اولین کشوری بود که استقلال جمهوری آذربایجان را در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت (Aydin & Tezel-Aydın 2002: 39). بعد از فروپاشی شوروی ترکیه فرصتی بی‌نظیر پیدا کرد تا نفوذ خود را در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی (به‌ویژه در جمهوری‌های ترک‌زبان) گسترش دهد. آذربایجان بلافاصله پس از استقلال علاقه‌مند به برقراری روابط با ترکیه بود. بحث‌های پان ترکی در آذربایجان با روی کار آمدن حزب جبهه خلق آذربایجان به رهبری ابوالفضل ایلچی بیگ، شدت گرفت. ایلچی بیگ روابط با ملت‌های ترک به‌ویژه ترکیه را در اولویت روابط خارجی خود قرارداد. در همین راستا، باکو اعلام کرد که ترکیه متحد استراتژیک اصلی اوست و مردم ترکیه و آذربایجان یکی هستند و تنها به دو کشور متفاوت تقسیم شده‌اند. شعار «یک ملت - دو دولت» به مسیر اصلی سیاست خارجی آذربایجان مرتبط با ترکیه تبدیل شد. در واقع، پان ترکیسم از اوایل دهه ۱۹۹۰ نقش مهمی در پیوند باکو - آنکارا داشت (Nelli, 2021: 45-46). همچنین الهام علی‌اف نیز زمانی که در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد، در مراسم تحلیف با عبارت «هرجا ترکیه است، آنجا آذربایجان است» مسیر روابط دو کشور را در آینده نشان داد. رجب طیب اردوغان و الهام علی‌اف روابط دو کشور را ابتدا به سطح مشارکت راهبردی و سپس به اتحاد راهبردی ارتقا دادند. با خطوط لوله باکو - تفلیس - جیهان، باکو - تفلیس - ارزروم و تاناپ<sup>۱</sup> در حوزه انرژی و پروژه راه‌آهن باکو - تفلیس - قارص در حوزه حمل‌ونقل، روابط دو کشور عمیق‌تر نیز شده است.

جنگ دوم قره‌باغ این فرصت را برای ترکیه ایجاد کرد تا اهداف و برنامه‌های خود را به‌صورت جدی در قفقاز جنوبی و در پیوند با باکو پیگیری کند. ترکیه با تکیه بر هویت قومی و عنصر ترکی تلاش کرد با جمهوری آذربایجان همبستگی کامل ایجاد کند. از این‌رو، شعار «یک ملت - دو دولت» نیروی محرکه روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ

<sup>۱</sup> . TANAP

بود. پیروزی جمهوری آذربایجان به کمک ترکیه در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، اهمیت روانی بالایی داشت و تصویر مطلوبی از ترکیه در اذهان ترک‌زبانان ایجاد کرد. وحدت آذربایجان و ترکیه در زمینه سیاسی عمدتاً بر اساس دسته‌بندی شرکای سیاست خارجی به «دوستان مشترک و دشمنان مشترک» است؛ بنابراین، آنکارا و باکو هر دو در حال ایجاد روابط دوستانه با کشورهای ترک آسیای مرکزی هستند. در عین حال، به ارمنستان به‌عنوان یک «دشمن» مشترک نگاه می‌کند. در حوزه نظامی، هر دو کشور به دنبال تشکیل ساختارهای نظامی با محوریت ترکیه و همچنین ایجاد ارتش یکپارچه ترک در درازمدت هستند. ماهیت روابط اقتصادی آذربایجان و ترکیه عمدتاً رقابتی است. انرژی در روابط دو کشور به‌عنوان یک عامل وحدت‌بخش و در عین حال تفرقه‌انگیز عمل می‌کند، زیرا هر دو کشور برای رهبری در این زمینه تلاش می‌کنند و به دنبال اشغال جایگاه ویژه‌ای در بازار انرژی منطقه‌ای هستند. در حوزه فرهنگی، ادغام دو کشور با محوریت ترکیه در حال گسترش است. روابط دوجانبه ترکیه و آذربایجان با «ادغام» دو کشور در یک فضای واحد با محوریت ترکیه تقریباً در همه زمینه‌های تعامل متجلی می‌شود. جمهوری ترکیه به دنبال نفوذ بر باکو است تا آن را به نقطه مرجع «جهان ترک» تحت پوشش خود تبدیل کند. این روند به احتمال زیاد در آینده تقویت خواهد شد (Avatkov, 2022:90).

**اعلامیه شوشی: اوج اتحاد.** «اعلامیه شوشی» را می‌توان سنگ بنای روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان در تحولات جدید دانست. ترکیه و جمهوری آذربایجان در این بیانیه بر اهمیت توسعه و اجرای سیاست خارجی مشترک تأکید دارند. بر اساس اعلامیه شوشی، طرفین به تلاش‌های خود برای تقویت ثبات و امنیت در منطقه قفقاز از جمله احیای روابط اقتصادی و حمل‌ونقل، عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه و تأمین صلح پایدار، ادامه خواهند داد. اعلامیه شوشی به تداوم و توسعه همکاری‌های نظامی نیز اشاره می‌کند. بر این اساس، طرفین به همکاری برای نوسازی نیروهای مسلح دو کشور مطابق با الزامات مدرن ادامه خواهند داد. همچنین دو طرف تبادل متخصصان و فناوری‌های مدرن را باهدف تقویت امنیت دفاعی و نظامی تشویق خواهند کرد (Nelli, 2021: 48-49). این اعلامیه، نقشه راه آینده روابط دو کشور را در زمینه‌های انرژی، حمل‌ونقل، فناوری‌های صنایع دفاعی و نظامی، روابط اقتصادی و بشردوستانه، ترسیم می‌کند. در این بیانیه به هماهنگی و توسعه همکاری‌هایی مربوط به مسائل استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی موردعلاقه دو طرف در راستای توسعه پایدار جهان ترک تأکید شده است (Nelli, 2021: 47). بر اساس این اعلامیه،

دو کشور بار دیگر بر پابندی خود به کلیه اسناد بین‌المللی امضا شده بین خود و پیمان قارص در ۱۳ اکتبر ۱۹۲۱ تأکید کردند. طرفین بر نقش دو کشور در اجرای کریدور راهبردی گاز جنوبی که به امنیت انرژی منطقه و اروپا کمک می‌کند و تنوع منابع و مسیرهای گاز طبیعی را تضمین می‌کند، تأکید می‌کنند (veliyev, 2021). اعلامیه شوشی با قراردادهای نظامی - سیاسی قبلی بین دو کشور متفاوت است. قراردادهای قبلی همکاری دو کشور را نشان می‌داد؛ اما بیانیه شوشی به‌وضوح هماهنگی سیاست کلی در حوزه‌های نظامی، سیاسی و سیاست خارجی را بیان می‌کند. در واقع، این سند ثابت می‌کند که ترکیه در آذربایجان نفوذ کامل پیدا کرده است. در قراردادهای قبلی اشاره‌ای به جهان ترک نشده بود؛ ولی در این بیانیه به‌وضوح هماهنگی نیروها بین دو کشور برای توسعه جهان ترک بیان شده است. بدین ترتیب، در اعلامیه شوشی جلوه‌های پان‌ترکیسم روابط ترکیه و آذربایجان آشکار می‌شود (Nelli, 2021: 48-49).

### ۳. تأثیر اتحاد ترکیه و جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران

والتر لیپمن از پیشگامان ارائه‌کننده تعریف مفهوم امنیت ملی معتقد است زمانی می‌توان گفت یک ملت امنیت دارد که بتواند ارزش‌های اساسی خود را بدون توسل به جنگ حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ نیز بتواند با پیروزی در آن، ارزش‌های خود را حفظ کند. ریچارد کوپر یکی دیگر از نظریه‌پردازان امنیت توانایی یک جامعه در حفظ و بهره‌گیری از ارزش‌ها و فرهنگش را امنیت ملی می‌داند (ماندل، ۱۳۹۹: ۳۰-۳۱). رابرت ماندل این‌چنین امنیت ملی را تعریف کرده است امنیت شامل تغییر روانی و مادی ایمنی و جز وظایف دولت‌های ملی است تا از عوامل مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم نظام شهروندی و سبک زندگی شهروندان خود جلوگیری کند (ماندل، ۱۳۹۹: ۵۲). همچنین در یک تعریف دیگری از این مفهوم به این موضوع اشاره می‌شود که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی را در پیش می‌گیرند (برکووتیز، سی باک، ۱۳۹۲: ۲۰۲). وجه مشترک تعاریف مذکور از امنیت «ضرورت حفظ و وجود خود» است. به سخن دیگر، می‌توان امنیت را «حفظ ذات و صیانت نفس از خطرات» دانست که در پنج مقوله حفظ استقلال و حاکمیت کشور، حفظ نظام اقتصادی و سیاسی، حفظ تمامیت ارضی، حفظ دین، باور و ارزش‌های مردم، حفظ جان مردم، قابل بررسی است (بیات، ۱۳۹۸: ۳۲). جایگاه امنیت ملی در تعامل با سایر فاکتورهای تأثیرگذار در نظم

عمومی تعیین می‌شود؛ بنابراین، برای تبیین و ترسیم این تعامل، توجه به ابعاد امنیت ملی الزامی است.

**از نظر سیاسی - نظامی:** مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی، تهدید نظامی است. این بعد تهدید می‌تواند تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محو نماید و همچنین موجب اختلال یا نابودی نهادها شود. از نظر بوزان متفکر برجسته حوزه امنیت، نوک پیکان تهدید سیاسی ثبات سازمانی دولت را نشانه می‌گیرد. مقصود نهایی از تهدیدات سیاسی می‌تواند از تحت فشار قراردادن دولت در خصوص نوع خاصی از سیاست گرفته تا برهم‌زدن بافت سیاسی دولت برای ضعیف کردن آن قبل از تهاجم نظامی باشد. ایده دولت، به‌ویژه هویت ملی، ایدئولوژی سازمان‌دهنده و نهادهایی که نمود آن هستند، از هدف‌های تهدیدات سیاسی به شمار می‌روند (بوزان، ۱۳۹۹: ۱۴۳).

**از نظر اجتماعی و فرهنگی:** ارزش‌های مشترک و فرهنگ از عوامل پایداری و استحکام کشورها شناخته می‌شوند. غالباً حکومت‌ها حفظ و گسترش ارزش‌های موردنظر خود را در کنار سایر عوامل، جز منافع ملی خود قلمداد می‌کنند. از این‌رو، آن دسته از عواملی که ارزش‌های فرهنگی را تضعیف کنند، از جمله تهدیدات امنیتی تلقی می‌گردند. به چالش کشیدن ارزش‌ها و فرهنگ کشور در سطح بین‌الملل، تبلیغ گسترده فرهنگ مغایر با کشور در سطح بین‌الملل و رسوخ فرهنگ بیگانه از راه‌های اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک، نمونه‌هایی از شکل اجتماع و فرهنگی تهدیدهای خارجی هستند؛ بنابراین، آنچه که دولت‌ها در عرصه جهانی به نام امنیت ملی تعقیب می‌کنند حاصل شناختی است که از خود و دیگران دارند. این تفسیر از خود و دیگران و همچنین نوع رابطه با دیگران برساخته‌ای اجتماعی است. با توجه به باور هستی‌شناسانه سازه‌انگاران در مورد ساخته شدن ساختار و کارگزار به شکل متقابل و در بستر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، وجود ارتباط با دیگران و شناخت صحیح آنان پیش‌شرط تأمین امنیت ملی محسوب می‌شود (ازغندی، کافی، ۱۳۹۱: ۲۲۲).

**و از نظر اقتصادی:** از جمله ابعاد امنیت ملی که امروزه موردتوجه ویژه قرار می‌گیرد و حتی در محاسبات نظامی نیز کاربرد دارد بعد اقتصادی امنیت است که ناظر بر ملاحظات عینی امنیت ملی است. عده‌ای از متفکران عرصه امنیت ملی اعتقاد دارند امروزه بعد اقتصادی امنیت ملی اهمیت بسیاری پیدا کرده است. درگذشته اقتصاد از این نظر مهم بود که پشتوانه قدرت نظامی محسوب می‌شد. اما بااهمیت یافتن رفاه مردم بعد اقتصادی امنیت

ملی نیز اهمیت بیشتری یافته است. تعریف رابرت ماندل از بعد اقتصادی امنیت ملی یکی از تعاریف پذیرفته شده در این زمینه است. وی بر آن است که امنیت اقتصادی یعنی اینکه مقدار تولید کالا و خدمات توسط یک کشور تحت شرایط آزاد و عادی بازار، قابل عرضه در بازارهای بین‌المللی باشد (ماندل، ۱۳۹۹: ۷۴).

بر اساس این سه نقطه تمرکز، اولین اولویت و هدف جمهوری اسلامی، حفظ امنیت ملی و صیانت از کشور است. زیرا بدون تأمین امنیت ملی و حفظ کشور، تحقق سایر اهداف ملی ممکن نخواهد بود. از این رو، موجودیت و بقای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان برحسب حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال، ادامه حیات ملت و نظام جمهوری اسلامی تعریف کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

حفظ تمامیت ارضی کشور یکی از اجزا و عناصر تشکیل دهنده دولت‌ها سرزمین است، به‌گونه‌ای که بدون شکل‌گیری دوات ناممکن و با از دست رفتن آن، دولت نیز از بین خواهد رفت. از این رو، طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران برای حفظ موجودیت خود باید سرزمین و تمامیت ارضی کشور را حفظ نماید (سریع‌القلم، ۱۳۷۹). بر همین مبنا با بررسی عملکرد جمهوری اسلامی در طی چهار دهه گذشته می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی آن حفظ تمامیت ارضی کشور بوده است. تمامیت ارضی ایران به دو صورت می‌تواند تهدید شود. نخست، اقدامات نظامی خارجی جهت اشغال یا جدا کردن بخشی از خاک ایران و دوم، در اثر شکل‌گیری نارضایتی‌ها در داخل کشور که تحریک‌کننده احساسات تجزیه‌طلبانه می‌شود.

حفظ استقلال یکی دیگر از محورها و اهداف اصلی انقلاب اسلامی استقلال خواهی است. به طوری که در شعارهای اصلی انقلاب تجلی یافته است. گذشته از این، اسلام به‌عنوان ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به جمهوری اسلامی نیز ایجاب می‌کند که استقلال خواهی به صورت یکی از اهداف اساسی و حیاتی سیاست خارجی تعریف و تعقیب شود. در اصل سوم قانون اساسی نیز آمده است: «دولت جمهوری اسلامی موظف است همه امکانات خود را برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور» به کار برد. همچنین اصل ۱۴۳ قانون اساسی نیز پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی را مهم‌ترین وظیفه ارتش جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌کند.

و نهایتاً حفظ حاکمیت ملی یکی دیگر از اهداف امنیتی در سیاست خارجی ایران است. جمهوری اسلامی خود را ام‌القرای جهان اسلام می‌داند؛ بنابراین، پاسداری از موجودیت

اسلام یکی از وظایف جمهوری اسلامی است. این هدف از طریق حفظ موجودیت اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی در قلمرو سرزمینی ایران پیگیری می‌شود؛ بنابراین، لازمه و مقدمه موجودیت انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی حفظ نظام سیاسی جمهوری اسلامی است (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳: ۵۷). اصل ۱۴۳ قانون اساسی نیز بر حفظ نظام جمهوری اسلامی تأکید می‌کند. همچنین بر اساس اصل ۱۲۱ قانون اساسی، رئیس‌جمهور سوگند یاد می‌کند که پاسدار نظام جمهوری اسلامی باشد.

اتحاد ترکیه و جمهوری آذربایجان که حول محور پان‌ترکیسم شکل گرفته است، تهدیدات امنیتی قابل‌توجهی را متوجه امنیت ملی ایران می‌کند. این تهدیدات در سه حوزه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر قابل‌بررسی است.

**در حوزه ژئوپلیتیک:** برای واکاوی دقیق تهدیدات امنیتی جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران توجه به نحوه شکل‌گیری کشور جمهوری آذربایجان ضروری است. بعد از فروپاشی روسیه تزاری (۱۹۱۷) با حمایت‌های عثمانی از محمدامین رسول‌زاده رهبر حزب مساوات کشور جمهوری آذربایجان (در ۲۸ مه ۱۹۱۸) تأسیس شد. سرزمینی که آذربایجان نام گرفت بنا به گواه مورخان و صاحب‌نظران «آران<sup>۱</sup>» نام داشت و تنها زمانی نام آذربایجان بر آن گذاشته شد که دولتی به نام مساوات در قفقاز به وجود آمد. هرچند در آن زمان سفارت وقت ایران در استانبول به آن اعتراض کرد؛ اما باگذشت زمان دیگر پیگیری نشد (بیات، ۱۳۸۸: ۴۳-۵۵). این اقدام دولت مساوات پیش از آن که نشان از بی‌اطلاعی تاریخی باشد نتیجه نوعی سیاست محاسبه آگاهانه سیاسی بود. در واقع انتخاب این نام برای سرزمینی که در همسایگی آذربایجان واقعی و تاریخی که در قلمرو ایران قرار دارد، مشکلات متعددی برای امنیت ملی ایران ایجاد کرده است (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). همین نام‌گذاری جعلی توسط حزب مساوات با کمک عثمانی سبب شده است پان‌ترک‌ها ادعا کنند در گذشته آذربایجان یک کشور مستقل بوده است که توسط ایران و روسیه در طی قرارداد ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ تقسیم شده و بخش جنوبی آن در اختیار ایران و بخش شمالی آن که اکنون کشوری مستقلی است، در اختیار روسیه قرار گرفت. جعل تاریخ به صورت سیستماتیک توسط پان‌ترک‌ها پیگیری می‌شود و در مدارس و دانشگاه‌ها نیز به این موضوع اشاره می‌کنند (فاطمی نسب، حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

---

<sup>1</sup>. Aran



پروژه تقسیم آذربایجان به «جنوبی» و «شمالی» نگرانی‌های امنیتی زیادی برای ایران به همراه داشته است. آذربایجان شامل جمعیتی آذری‌زبان است که بخش بزرگی از آن در قلمرو ایران قرار دارد. وجود آذربایجان در دو سوی رود ارس انگیزه‌ای برای رهبران پان‌ترک بوده است تا رؤیای «آذربایجان متحد» را داشته باشند. این ایده آرمان سران آذربایجان در سال‌های قبل از استقلال بود. در تابستان ۱۹۸۱، حیدر علی‌اف به‌عنوان یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، در حضور جمعی از دیپلمات‌های خارجی، از تمایل مردم آذربایجان شوروی برای اتحاد دو بخش صحبت کرد. چنین احساساتی پس از استقلال جمهوری آذربایجان شدت گرفت و در عصر ابوالفضل ایلچی‌بیگ که ایده اتحاد آذربایجان دو سوی رود ارس را با حرارت بیشتری پیش برد، به اوج خود رسید (Goudarzi & Others, 2015: 124). ایلچی بیگ نخستین رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان روابط عمیقی با ترکیه و آمریکا بنا گذاشت. او زمینه‌های نفوذ بیشتر ترکیه را در جمهوری آذربایجان فراهم کرد. ایلچی بیگ از ستایشگران مصطفی کمال آتاتورک و طرفدار ایده دولت سکولار با نگرش غرب‌گرا بود. از این‌رو، با دیده تحقیر به حکومت دینی ایران نگاه می‌کرد. او ایران را کشوری می‌دانست که «روزهای سقوطش به شماره افتاده است». ایلچی-بیگ خود را سرباز آتاتورک توصیف می‌کرد و خواهان سقوط جمهوری اسلامی ایران شد. او همچنین علناً اعلام کرد که «اتحاد آذربایجان هر دو سوی ارس حداکثر به پنج سال زمان نیاز دارد» (Souleimanov, 2011:15).

هرچند پس از سرنگونی رژیم ایلچی‌بیگ در ژوئن ۱۹۹۳ و روی کار آمدن حیدر علی‌اف که برخلاف سلف خود یک سیاستمدار واقع‌بین بود، به تدریج تنش‌زدایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان صورت گرفت. اما اصل اختلافات تهران - باکو همچنان بین دو کشور وجود دارد که بعد از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ به اوج خود رسید. در رژه نظامی در باکو که بعد از پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ برگزار شد اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه از متحد کردن آذربایجان هر دو سوی ارس سخن گفت. اردوغان در آنجا شعری را خواند که مستقیماً تمامیت ارضی ایران را تهدید می‌کرد او گفت: «ارس را جدا کردند و آن را با میله و سنگ پر کردند / من از تو جدا نمی‌شدم به‌زور جدایمان کردند» (شرق، ۱۳۹۹).<sup>۱</sup> این شعر از بختیار وهاب‌زاده شاعر آذربایجانی قرن بیستم بود که به رودخانه ارس اشاره می‌کند. ابیاتی که اردوغان خواند بر این امر دلالت دارد که مرز بین دو سوی ارس مصنوعی است و

<sup>۱</sup>. <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-275033>

ترک‌های آذربایجان روزی متحد خواهند شد. این ادعای اردوغان بدون تجزیه تمامیت ارضی ایران امکان‌پذیر نخواهد بود.

یکی دیگر از عوامل تهدیدکننده امنیت ملی ایران انسداد مرز ۳۸ کیلومتری ایران و ارمنستان در نتیجه مطرح شدن «کریدور زنگزور» توسط باکو و آنکاراست. ایجاد دالان زنگزور برای ترکیه اهمیت راهبردی دارد که می‌تواند موقعیت آنکارا را در ارتباط با باکو تقویت کند. این دالان در صورت اجرایی شدن علاوه بر اینکه برای اولین بار زمینه‌های برقراری ارتباط زمینی میان ترکیه و آذربایجان را فراهم می‌کند از مزیت‌های دیگری نیز برای ترکیه برخوردار است؛ به طوری که برای اولین بار فرصت ایجاد یک خط ارتباطی بین ترکیه تا قفقاز و از آنجا به سمت آسیای مرکزی را فراهم می‌کند. در واقع، به لطف این گذرگاه ژئوپلیتیکی زمینی است که ترکیه خود را در مرحله تازه‌ای از نفوذ در سطوح چندگانه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌بیند. در حقیقت، ترکیه سعی می‌کند شرایطی برای ایران به وجود بیاورد که ایران برای دسترسی زمینی به اروپا، نیازمند عبور از قلمرو ترکیه باشد، اما ترکیه برای دسترسی به آسیای مرکزی نیازمند عبور از خاک ایران نباشد. ترکیه برای دسترسی به آسیای میانه و افغانستان می‌خواهد ایران را دور بزند و نتیجه این خواهد بود که آنکارا از توان ایران به‌عنوان رقیب منطقه‌ای خود می‌کاهد و بر وزن خود به‌عنوان مهم‌ترین حلقه در زنجیره راه ابریشم نوین می‌افزاید (رئیس‌ی نژاد، ۱۴۰۱: ۱۱۹-۱۹۵).

**در حوزه ژئواکونومیک:** آنچه در بررسی اهداف بلندپروازانه ژئواکونومیک اتحاد باکو - آنکارا درخور توجه است، تأثیر این اهداف بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. بر همین اساس، در این قسمت مهم‌ترین تهدیدات اتحاد باکو - آنکارا در حوزه ژئواکونومیک برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حذف سوآپ گاز ایران به نخجوان یکی از تهدیدات قابل توجه در حوزه ژئواکونومیک است. بر اساس قرارداد سوآپ بین باکو و تهران که در سال ۲۰۰۴ امضا شد، گاز نخجوان از طریق ایران تأمین می‌شود به این صورت که ایران گاز وارد شده از آستارای جمهوری آذربایجان را مصرف و معادل آن را پس از کسر ۱۵ درصد به‌عنوان حق ترانزیت، از خط لوله گاز سراسری خود به نخجوان سوآپ می‌کند. باکو بارها از ایران درخواست کرده است تا حق ترانزیت گاز را کاهش دهد که مورد موافقت تهران قرار نگرفته است (O'Byrne, 2020). جمهوری آذربایجان و ترکیه درصدد ایجاد خط لوله جدیدی به طول ۸۵ کیلومتر از ایغدیر

در شرق ترکیه تا صدرک<sup>۱</sup> در نخجوان با ظرفیت سالانه ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز هستند. این پروژه از طریق مشارکت شرکت بازرگانی خط لوله نفت و گاز طبیعی ترکیه و شرکت نفت دولتی آذربایجان سوکار محقق خواهد شد (Hurriyetdailynews, 2020). در صورت نهایی شدن این پروژه، جمهوری اسلامی سود حاصل از سوآپ گاز به نخجوان را از دست خواهد داد. یکی دیگر از زمینه‌هایی که تهدید علیه منافع اقتصادی ایران محسوب می‌شود، مطرح شدن بحث دالان زنگزور است که به آذربایجان اجازه می‌دهد از طریق استان سیونیک<sup>۲</sup> ارمنستان با نخجوان ارتباط برقرار کند. اگر این دالان ایجاد شود باکو بدون نیاز به ایران انرژی موردنیاز نخجوان را تأمین می‌کند. همچنین در صورت تحقق دالان زنگزور و اتصال ترکیه به منابع انرژی حوزه خزر و آسیای مرکزی، نیاز این کشور به واردات گاز از ایران نیز مرتفع خواهد شد و در نهایت منجر به عهدشکنی ترکیه در خریدهای گازی‌اش از ایران و توقف واردات گاز از ایران می‌شود.

ترکیه کوشیده است تا برای دستیابی به کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی قلمرو ایران را دور بزند. یک عامل پنهان ولی بسیار مهم در تداوم و پویایی بحران قره‌باغ برآمدن کریدورهای بین‌المللی شمال - جنوب و به‌ویژه «راه ابریشم نوین»<sup>۳</sup> است که کمر بند زمینی آن پتانسیل گذر از قفقاز را دارد. مسیر دالان تاریخی شمالی (چین - آسیای میانه - ایران - ترکیه/مدیترانه) کمر بند زمینی راه ابریشم نوین قرار است که از ایران بگذرد؛ اما ترکیه تلاش می‌کند تا این مسیر زمینی از ایران عبور نکند و در عوض، به دنبال راه‌اندازی دو «دالان میانی» و «دالان کاسپین» است. دالان میانی از چین وارد قزاقستان شده و از طریق بنادر آکتائو<sup>۴</sup> و کوریک<sup>۵</sup> در شمال شرقی دریای خزر به باکو وصل شده و از آنجا از طریق تفلیس وارد ترکیه می‌شود. دوم، دالان کاسپین است که از آسیای مرکزی به ترکمنستان و از آنجا وارد بندر ترکمن‌باشی<sup>۶</sup> می‌شود. این بندر با سرمایه‌گذاری ۱.۵ میلیارد دلاری هلدینگ ترکیه‌ای «چالیک هلدینگ»<sup>۷</sup> توسعه یافته و یکی از بزرگ‌ترین بندرهای سطح زیر دریا را درست کرده است. دالان کاسپین از آنجا وارد باکو می‌شود و از آنجا به تفلیس و ترکیه می‌رود. این دالان جغرافیای ایران را دور می‌زند و اهمیت ژئوپلیتیکی ایران در ارتباط

1. sederek

2. Syunik

3. New silk Road

4. Aktau

5. Kuryk

6. Turkmenbashi

7. Calik Holding

بین شرق و غرب را کاهش می‌دهد. این امر نشان می‌دهد آنکارا برخلاف وعده‌های دوستی و همکاری‌های ظاهری با تهران، به دنبال دور زدن ایران در مسیر زمینی راه ابریشم نوین و به‌طور کلی تضعیف قدرت ژئواکونومیک ایران در آسیای غربی، آسیای میانه و قفقاز است (رئییسی نژاد، ۱۴۰۰).

**در حوزه ژئوکالچر:** گسترش نفوذ ترکیه در آذربایجان می‌تواند تنش‌های تازه‌ای را ایجاد کند و به فصل جدیدی در تاریخ منطقه منجر شود. راهبرد آنکارا برای تقویت روابط با باکو، مبتنی است بر پیام پان ترکیستی که هدف آن سرمایه‌گذاری بر زبان، تاریخ و فرهنگ مشترک ترک‌زبانان است از آنجایی که ساکنان استان‌های شمال و به‌ویژه شمال غربی ایران، ایرانی‌های ترک‌زبان هستند پیگیری سیاست‌های پان ترکی از سوی ترکیه و باکو تهدیدات مهمی را متوجه امنیت ملی ایران می‌کند (Goudarzi & Others, 2015: 124). حمید احمدی پژوهشگر برجسته حوزه قومیت معتقد است پان ترکیسم از همان ابتدا ایران، فرهنگ ایرانی و بخش‌هایی از سرزمین ایران را مورد هدف قرار داده است و دعاوی الحاق‌گرایانه را دنبال می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۳). پان ترکیسم از دیرباز این ادعا را داشته که ترک‌زبانان ایران، جزئی از وطن بزرگ ترک بوده و در ایران تحت ستم به سر می‌برند. اما این ادعا اغلب از سوی آذری‌های ایران مورد توجه قرار نگرفته است. اما با این حال، در دنیای پس از جنگ سرد و سقوط اتحاد جماهیر شوروی، بار دیگر اندیشه پان ترکیسم در صدد یورش به ایران برآمده است. در این راستا هدف مشخص پان ترکیسم، ایرانی‌زدایی از آذربایجان و تبدیل آذری‌های ایران به «اقلیت ملی» بوده است. از این رو، تمام ابعاد عینی و ذهنی که منجر به حس ایرانی در میان مردم آذربایجان می‌شده است مورد هدف و حمله قرار گرفته است. با حمله به مذهب شیعه، انکار نقش ملی و تاریخ‌ساز صفویه، ویژگی شیعی آذربایجان را کم‌رنگ می‌سازد و آنان را در زیر سپهر اندیشه‌های اخوانی و در چتر پان‌عثمانیزم از یکسو، و پان ترکیسم از سوی دیگر قرار می‌دهد. با هجمه و ابراز نفرت علیه زبان فارسی، این زبان را از نقش محوری‌اش در فرهنگ و ادبیات آذربایجان دور می‌سازد. البته اقدامات پان‌ترک‌ها و پان آذری‌ها به این موارد محدود نشد این‌ها حتی روز نوروز را عیدی ترکی می‌دانند. مفاهیمی همچون آذربایجان «جنوبی» و «شمالی» ابداع می‌کنند و حتی به املائی آذربایجان نیز رحم نمی‌شود و رسم‌الخط آن به شیوه ترکیه عثمانی به «آذربایجان» مبدل می‌شود (بهمنی قاجار، ۱۳۹۸).

حمایت آنکارا از باکو در جنگ دوم قره‌باغ و پیروزی در آن جنگ، اعتماد به نفس دو کشور را بیش از پیش بالا برده است. اردوغان خود را رهبر ترک‌های جهان می‌داند و به دنبال متحد کردن آنچه خود «جهان ترک» می‌نامد، هست. در همین راستا، به تقویت شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان پرداخته و نام آن را به سازمان کشورهای ترک تغییر داده است. در هشتمین اجلاس این سازمان، اردوغان اشاره می‌کند: «سازمان کشورهای ترکیه با نام و ساختار جدید خود از این پس ریشه می‌گیرد، رشد می‌کند، توسعه می‌یابد و شکوفا می‌شود. جغرافیای ترکستان که هزاران سال مهد تمدن بوده است بار دیگر برای همه بشریت تبدیل به کانون جاذبه و روشننگری خواهد شد» (Anadolu Agency, 2021). در واقع، آنکارا به دنبال شکل‌دهی بلوکی به رهبری خود است تا بتواند رقیب تاریخی خود یعنی ایران را محاصره کند. یکی از پیامدهای اتحاد با باکو و پاکستان در کنار روابط نزدیک با قطر، طالبان، محاصره ایران است. در عین حال، ترکیه تلاش می‌کند تا مشکلات خود را با سوریه کم کند و از تنش‌ها با ریاض و ابوظبی بکاهد. با این حال، ریشه این بلوک سیاسی - نظامی را باید در مفهوم استراتژیک «سیب سرخ» به‌عنوان مهم‌ترین نماد ملی‌گرایی و توسعه‌طلبی ترکیه از طریق اتحاد ترک‌زبانان برای دستیابی به برتری جهانی دید. ترکیه کوشیده تا با مهار ایران خود را بازیگر مطلوب غرب در میانه خروج آمریکا از منطقه نیز نشان دهد و از این نظر به لابی اسرائیل تکیه کرده است. بر همین مبنا، شاهد همکاری تنگاتنگ آنکارا، تل‌آویو و باکو در مهار ایران هستیم (رئیس‌ی نژاد، ۱۴۰۰).

### نتیجه‌گیری

جمهوری آذربایجان از زمان موجودیت در ۲۸ مه ۱۹۱۸ تا به امروز مورد توجه ویژه پان‌ترک‌ها قرار گرفته است. ترکیه این کشور را دروازه ورود به جهان ترک می‌داند. از این رو، بعد از فروپاشی شوروی، آنکارا تلاش کرد در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با جمهوری آذربایجان همکاری کند. هدف ترکیه نفوذ در منطقه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی بود، اما از منابع اقتصادی و مالی لازم برخوردار نبود؛ بنابراین، در درجه اول تمرکز زیادی روی تبلیغات ایدئولوژیک (پان‌ترکیسم یا وحدت ترک‌زبانان) و آموزش‌های فرهنگی اختصاص داد. ترکیه از اشتراکات زبانی و فرهنگی با کشورهای ترک‌زبان به صورت تبلیغاتی استفاده می‌کرد که مبنای سیاست آموزشی این کشور نیز قرار گرفت. این سیاست‌ها به منظور دستیابی به یک محیط معنوی و فرهنگی مشترک بود که تا به امروز دولتمردان

ترکیه فعالانه در راستای آن تلاش می‌کنند. جاه‌طلبی‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان برای تبدیل طرح پان ترکیسم به واقعیت بعد از پیروزی در جنگ دوم قره‌باغ قوی‌تر شده است. در حقیقت، یکی از عوامل اصلی اصرار ترکیه و جمهوری آذربایجان برای ایجاد کریدور زنگزور، پروژه پان ترکیسم است. در صورت احداث این کریدور با پهنای ۸ کیلومتر و با نظارت ترکیه و جمهوری آذربایجان، تبعات بسیار پررنگ اقتصادی، مرزی، ترانزیتی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت. در همین رابطه مقامات ترکیه و جمهوری آذربایجان از طرحشان برای ایجاد کریدور بزرگ‌تر تورانی و پان ترکیستی و در نهایت ایجاد ترکستان بزرگ صحبت می‌کنند که کل خاک جمهوری ارمنستان و مناطق ترک‌نشین شمال و شمال غربی ایران را هم در خود می‌بلعد؛ لذا افزون بر تبعات مخرب یاد شده، باید آثار منفی امنیتی ناشی از تضاد قومیتی و اجتماعی را برای ایران در نظر گرفت که به شکل بسیار پررنگی دامن کشور را می‌گیرد.

## منابع و مأخذ

### فارسی

- آجیلی، هادی. افشاریان، رحیم (۱۳۹۳). «کاربست سند چشم‌انداز در سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه آفاق امنیت، ۷(۲۴)، ۵۱-۲۵
- احمدی. حمید (۱۳۸۸). «ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی». فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۳(۱)، ۲۲-۱.
- ازغندی، علیرضا. کافی، مجید (۱۳۹۱). «بررسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نظریه سازه‌نگاری». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۸(۲۱)، ۲۰۵-۲۳۱
- رکوتیز، مورتون، سی. باک، & پی (۱۳۹۲). «امنیت ملی». فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱(۲)، ۱۹۵-۲۰۶.
- بوزان، باری (۱۳۹۹). «مردم، دولت‌ها و هراس». مترجم: محمدعلی قاسمی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی بهمنی قاجار، محمدعلی. «تمامیت ارضی ایران: سیری در تاریخ مرزهای ایران» (۱۳۹۰). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۹۸، ۱۳ آبان ماه). عده‌ای محدود از جان تراکتور چه می‌خواهند؟. پایگاه خبری تحلیلی انتخاب. لینک دسترسی: <https://www.google.com/amp/s/www.entekhab.ir/fa/amp/news/510703>
- (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲)

- بیات، بهرام (۱۳۹۸). «نظریه‌های امنیت ملی». تهران: پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی
- بیات، کاوه (۱۳۸۷). «پان‌ترکیسم و ایران». تهران: پردیس دانش، شیرازه
- بیات، کاوه (۱۳۸۸). «توفان بر فراز قفقاز (نگاهی به مناسبات منطقه‌ای ایران و جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در دوره نخست استقلال ۱۹۲۱-۱۹۱۷)». تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- درویشی، فرهاد، فردی تازه کند، محمد (۱۳۸۷). مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: دولت خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶). فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۴(۱۳)، ۱۰۲-۱۳۶
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». تهران: سمت.
- رییسی نژاد، آرش (۱۴۰۰). «ایران و راه ابریشم نوین: از ژئوپلیتیک راه تا دیپلماسی راه». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رییسی نژاد، آرش. (۱۴۰۰، ۲۰ مهر). پشت صحنه بحران در مرزهای شمالی بررسی شد؛ کارگردان تنش تهران-باکو، روزنامه دنیای اقتصاد، قابل مشاهده: <https://www.magiran.com/article/4226548> (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷)
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۹). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف». تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سلیمی، حسین، عیوض زاده، حسن. (۱۳۹۵). مبانی نظری تداوم ناتو پس از جنگ سرد. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۹(۳۵)، ۱۴۱-۱۶۴
- عرفانی، سهراب و همکاران (۱۳۹۹). «الزامات تأمین امنیت در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴». فصلنامه امنیت ملی، ۱۲(۴۳)، ۳۲-۷
- عظیم زاده اردبیلی، محمد منصور، مسعودنیا، حسین، و امام جمعه زاده، سید جواد. (۱۳۹۶). تحلیل سازه‌نگارانه سیاست خارجی نوین ترکیه و رقابت با جمهوری اسلامی ایران. مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)، ۱۰(۳۸)، ۹۵-۱۲۸.
- فاطمی نسب، علی، حسینی، سید جلال (۱۳۹۲). «نقش ترکیه در توسعه پان‌ترکیسم و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران». پژوهش‌های سیاسی، ۳(۳۸)، ۱۰۵-۱۲۷.
- کوشکی، امین؛ بصیری نیا، علی (۱۳۹۸). «راهنمای سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۵(۱۰۵)، ۱۶۱-۱۹۰.
- ماندل، رابرت (۱۳۹۹). چهره متغیر امنیت. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- واحدی، الیاس (۱۴۰۰، ۲ بهمن ماه). نگاه دیگران و رویکرد پایش و پالایش از درون (قسمت اول) همگرایی محور ترکی، سایت دیپلماسی ایرانی <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2009235> (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷)
- واعظی، محمود (۱۳۸۸). «میانجی‌گری در آسیای مرکزی و قفقاز». تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.



ولی پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳). «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران». تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.  
هادیان، ناصر. (۱۳۸۲). سازه‌نگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی. فصلنامه سیاست خارجی، ۱۷(۴)، ۴۵-۷۰.

## لاتین

- Avatkov, V. (2022). Turkey and Azerbaijan: One Nation–One State?. *Mirovaia ekonomika i mezhdunarodnye otnosheniia*, 66(2), 90-100.
- Aydın, M., & Tezel-Aydın, S. (2002). Turkish Foreign Policy Bibliography: Bibliography: Sources in English, French and German, 1919-2001 (No. 1-2002). Center for Strategic Research.
- Boekle, H., Rittberger, V., & Wagner, W. (1999). Norms and foreign policy: Constructivist foreign policy theory.
- Cornell, S. E. (2001). "Small nations and great powers". *Journal of Energy Literature*, 7, 76-76.
- Cumhurbaşkanı Erdoğan: Kuzey Kıbrıs Türk Cumhuriyeti'ni Türk Konseyi'nde görmeyi arzu ediyoruz. (12 November, 2021). Anadolu Agency. <https://www.aa.com.tr/tr/gundem/cumhurbaskani-erdogan-kuzey-kibris-turk-cumhuriyetini-turk-konseyyinde-gormeyi-arzu-ediyoruz/2418949> (accessed on 9 May 2023)
- Erdoğan bites a piece of 'red apple'. (24 November, 2020). Realnoe Vremya online newspaper Registration. <https://m.realnoevremya.com/articles/4978-the-red-apple-is-a-model-of-turkish-nationalism> (accessed on 15 May 2023)
- Goudarzi, M. R., Lashaki, A. B., & Lakani, S. F. M. (2015). "Turkish Foreign Policy in South Caucasus and Its Impacts in Iran-Azerbaijan Relationship". *J. Pol. & L.*, 8, 122.
- Labarre, Frederic. Niculescu, George (2021). "Regional Stability in the South Caucasus" Study Group Workshops.
- Mayilyan, L. (2020). Understanding The Underlying Dynamics Of Turkish-Azerbaijani Relations: "One Nation, Two States?". *Համալսարանի Եվրասիա: Contemporary Eurasia*, 9(1), 39-67.
- Nelli, M. (2021). Pan-Turkism Manifestations of Turkey-Azerbaijan Military-Political Cooperation. *Փիտակիկ Երգար/Научный Арцах/Scientific Artsakh*, (4 (11)), 44-53.
- O'Byrne, David (2020). "Turkey to build gas pipeline to supply Nakhchivan". Read more: <https://eurasianet.org/turkey-to-build-gas-pipeline-to-supply-nakhchivan> (accessed on 28 May 2023)
- Onuf, N. (1989). *World of Our Marking*. United State: University of South Carolina Press. Price, Richard and Christian Reus-Smith ( 1998 ). "Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivist", *European Journal of International Relation*, Vol. 4 no.3
- Price, R., & Reus-Smit, C. (1998). Dangerous liaisons? Critical international theory and constructivism. *European journal of international relations*, 4(3), 259-294.
- Turkey, Azerbaijan sign MoU to supply gas to Nakhchivan. ( 16 December, 2020). Hürriyet Daily News <https://www.hurriyetdailynews.com/turkey-azerbaijan-sign-mou-to-supply-gas-to-nakhchivan-160886> (accessed on 20 April 2023)

- Shirkhani, Nassir. (26 August 2020). 'Unworthy of Byzantine legacy': Erdogan challenges Greece to halt Turkey's East Med exploration drive. NHST Media Group. <https://www.upstreamonline.com/politics/unworthy-of-byzantine-legacy-erdogan-challenges-greece-to-halt-turkeys-east-med-exploration-drive/2-1-864270> (accessed on 19 April 2023)
- Souleimanov, E. (2011). 'Dealing With Azerbaijan: The Policies Of Turkey and Iran Toward The Karabakh War (1991-1994)'. MERIA Journal, 15(3).
- Souleimanov, E. (2011). 'Dealing With Azerbaijan: The Policies Of Turkey and Iran Toward The Karabakh War (1991-1994)'. MERIA Journal, 15(3).
- Stuart, Williams. (13 January, 2021). Turkey's Chase for the 'Red Apple'. Newlines Magazine. <https://newlinesmag.com/essays/turkeys-chase-for-the-red-apple/>. (accessed on 18 May 2023)
- Stuart, Williams. (13 January, 2021). Turkey's Chase for the 'Red Apple'. Newlines Magazine. <https://newlinesmag.com/essays/turkeys-chase-for-the-red-apple/>. (accessed on 18 May 2023)
- Veliyev, Cavid. (6 May, 2021). Ways of reviving the Turkey-Azerbaijan-Israel triangle. Daily Sabah. <https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/ways-of-reviving-the-turkey-azerbaijan-israel-triangle> . (accessed on 13 April 2023)